

سیاست جنایی مشارکتی در قبال جرایم اقتصادی در دستگاه‌های اجرایی



مسعود قهرمانی، دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه
فائزه شفیعی، کارشناس ارشد حقوق خصوصی

چکیده

جرایم و مفاسد اقتصادی و چگونگی مواجهه کنشی و واکنشی با این جرایم از موضوعات بسیار مهم حقوق کیفری در عصر حاضر محسوب می‌شود. آثار سوء و عواقب غیرقابل جبران این جرایم و در مقابل، لزوم پیشرفت‌های گوناگون کشور که اقتصاد بی‌شک از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن است؛ لزوم صیانت و تعالی سلامت و امنیت اقتصادی را دوچندان کرده است. بسیاری از این جرایم در درون دستگاه‌های اجرایی و به واسطه یا همکاری کارکنان این دستگاه‌ها ارتکاب می‌یابد که تدوین سیاست جنایی معین، واضح و واحد در این باره اجتناب‌ناپذیر بوده و سردرگمی در این عرصه آسیب‌زا است. با همه اقداماتی که علیه جرایم اقتصادی به خصوص در درون دستگاه‌های اجرایی کشور صورت پذیرفته، در صورت عدم مشارکت مردمی و نهادهای مردم‌نهاد، موفقیت قابل توجهی به ارمغان نخواهد آمد. حضور و نقش آفرینی مردم چه در بعد کنشی و چه واکنشی و حتی فرآیند دادرسی بدون ساختار و سازوکار معین و مدون امکان‌پذیر نیست. این مهم با ارائه الگوها و مدل‌های مشارکتی قابل تصور خواهد بود که این مقاله ضمن بررسی راهبردگزیینی، سیاست‌گذاری‌های عمومی و جنایی مناسب در مواجهه با جرایم و مفاسد اقتصادی، الگوهای ابداعی مبتنی بر سیاست جنایی مشارکتی مردمی پیشنهاد و ارائه خواهد داد. واژگان کلیدی: جرایم اقتصادی، سیاست‌گذاری عمومی، سیاست جنایی مشارکتی، آیین دادرسی کیفری اقتصادی، دستگاه‌های دولتی



درآمد

امروزه جرایم و مفاسد اقتصادی و توجه و لزوم مبارزه و مقابله با آن نه تنها در کشور ما بلکه در بسیاری از کشورهای جهان به یکی از معضلات جدی دولت‌های حاکم تبدیل شده است. این طور به نظر می‌رسد که فساد مالی و اقتصادی به علت تبعات سنگین در ابعاد مختلف مالی، اجتماعی و سیاسی، از بزرگترین مصیبت‌های دورن ماست که تهدید جدی برای رشد و رفاه اجتماعی محسوب می‌شود. در صورت عدم مقابله درست و به اندازه بر وجه کنشی و واکنشی، سقوط اعتماد عمومی نسبت به حاکمیت و نشر بی‌اخلاقی‌های مالی در جامعه از مهلک‌ترین آثار سوء این پدیده خواهد بود. با توجه به اینکه پیشرفت کشورها را بر اساس نظام اقتصادی آنها می‌سنجیم؛ لذا صیانت و تعالی سلامت اقتصادی یک کشور از مهم‌ترین دستاوردها و وظایف حاکمیت و مردم محسوب می‌گردد. اکنون با توجه به تغییر و پیشرفت گونه‌های فعالیت‌های اقتصادی و به خصوص تجارت در فضای سایبری و همچنین نقش تعیین کننده اقتصاد در زندگی روزمره مردم، رفتارهای مجرمانه علیه اقتصاد و موضوعات پیرامون آن نیز تغییر و نقش تازه گرفته و رفتارهای مجرمانه نوپدید در این زمینه آشکار گردیده که لزوم به‌روزرسانی و نواندیشی در برخوردها و مواجهه با پدیده‌های مجرمانه علیه اقتصاد را دوچندان نموده است. با اینکه دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و برخوردهای قضایی علیه این پدیده‌های مجرمانه اقتصادی در حال تدارک و قیام هستند؛ لیکن بدون حضور مردم و نقش‌آفرینی آنان کاهش جرایم اقتصادی و موفقیت

در این عرصه چشم‌گیر نخواهد بود. لذا می‌بایست سازوکار نقش‌آفرینی مردم در این زمینه نوشته و آماده گردد که در این مقاله به دنبال ترسیم بخشی از این مهم هستیم. با این توضیح ضروری است قبل از پرداختن به هر مطلبی راجع به نقش‌آفرینی مردم در مواجهه با جرایم اقتصادی، تعریفی از این جرایم بیان و ویژگی‌های آن گفته شود.

مواجهه (اعم از کنشی و واکنشی) با جرایم اقتصادی با تأخیر روبرو بوده و علت آن نیز این است که مجرمین اقتصادی غالباً افراد ذی‌نفوذ و ثروتمند هستند که با قدرت و جایگاه خود مانع از هرگونه حرکت علیه این جرایم می‌شوند. پیشینه بررسی جرم اقتصادی در غرب، به سال ۱۹۰۵ بازمی‌گردد که بنگر، جرم‌شناس هلندی جرایم خیابانی و تجار و شرکت‌ها را تفکیک نمود. بعد از آن ساترلند جرم‌شناس آمریکایی با طرح مفهوم جرایم یقه‌سفیدی در سال ۱۹۴۹ این رویه را ادامه داد (محسنی، ۱۳۹۸: ۲۵۱).

ارائه تعریف جرم اقتصادی به دلیل وجود اصطلاحات مشابهی؛ مانند فساد اقتصادی، فساد مالی و جرم مالی دشوار است. برخی از حقوقدانان جرم اقتصادی را هرگونه عمل خشونت‌آمیز که منجر به زیان مالی شود تعریف نموده‌اند (همان)، برخی نیز معتقدند با توجه به اینکه اقتصاد سه مقوله تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات را در بر می‌گیرد، لذا هر رفتاری که به عملیات تولید و توزیع و مصرف لطمه وارد کند جرم اقتصادی است. ماده ۳ قانون جرایم اقتصادی اردن اصلاحیه سال ۲۰۰۳ جرایم اقتصادی را شامل اموال شخصی ندانسته و ضرر زدن

به بنیان اقتصادی کشور یا اعتماد عمومی نسبت به اقتصاد کشور و هر کاری که در عمل منجر به اخلال در نظام اقتصادی کشور شود را جرم اقتصادی دانسته است (اسلامی، ۱۳۹۳). کنگره ۱۹۶۶ قاهره نیز جرم اقتصادی را هر فعل یا ترک فعلی که علیه نظام اقتصادی صورت گیرد تعریف نموده است. زلاتریک جرم اقتصادی را رفتار اشخاص حقیقی یا حقوقی که برای سیاست اجتماعی یا اقتصادی دولت، خطری را به وجود آورد یا ضرری وارد کند تعریف کرده است (زراعت، ۱۳۹۱: ۱۱). برخی دیگر معتقدند تعریف جرم اقتصادی به اعتبار مرتکب جرم، بزه‌دیده جرم، آثار و خسارات ناشی از جرم و فرآیند ارتکاب جرم بستگی دارد (حسینی، مهرا، ۱۳۹۴: ۴۵-۶۹). قانون مجازات اسلامی نیز جرایم اقتصادی را شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶ آن قانون دانسته و از تعریف کلی جرم اقتصادی اجتناب نموده است. نگاه به تعاریف وارده مبین آن است که ارائه تعریف جامع و مانع از جرایم اقتصادی به علت تفاوت در رویکردهای اقتصادی هر کشور میسر نمی‌باشد؛ بنابراین شاید به طور اجمالی بتوان گفت، هرگونه اقدامی که مخل نظام اقتصادی کشور گردد به شرط جرم‌انگاری اصولی توسط قانون‌گذار جرم اقتصادی تلقی می‌گردد. به هر حال از تعاریف مطروحه برخی از ویژگی‌های خاص جرایم اقتصادی پیداست و از آن جمله می‌توان به مواردی همچون تکرر و پراکندگی رکن قانونی، مجرمین خاص این نوع جرایم که از قدرت، نفوذ و ذکاوت خاص بهره‌مندند، گزارش‌دهی و رؤیت‌پذیری اندک، نرخ پایین پیگرد، آمار سیاه بالا و آثار و پیامدهای درازمدت



اشاره کرد (محسنی، همان). البته صحبت در این گونه موارد بسیار بوده و از آنجا که موضوع بحث حاضر راجع به سیاست جنایی مشارکتی و تبیین و مدل سازی نقش مردم و سازمان های مردم نهاد در مواجهه با جرایم اقتصادی است، به همین قدر اکتفا می نماییم.

از جمله موارد مهم قابل بحث در حوزه جرایم اقتصادی، نقش دولت، کارکنان دولت و دستگاه های اجرایی کشور و جرایم اقتصادی در بستر و ظرف دولت است که حائز اهمیت ویژه ای می باشد. با نگاهی به قوانین مطروحه مرتبط با موضوع حاضر مشخص است برخی از مصادیق جرایم اقتصادی صرفاً در محیط های دولتی و درون دستگاه های اجرایی کشور رخ می دهند. این گونه جرایم یا توسط کارکنان دولت و یا به واسطه و نقش آفرینی آنان ارتکاب می یابند. از این حیث به منظور مواجهه با این پدیده های مجرمانه در درون مجموعه دولت، لاجرم سیاست جنایی خاصی نیازمند ترسیم و اجراست. سیاست جنایی که از مباحث مطرح در حقوق جزا می باشد، در دو مفهوم مضیق و موسع تعریف شده است. اصطلاح سیاست جنایی برای اولین بار توسط آنسلم فون فوئر باخ در کتاب حقوق کیفری او که در سال ۱۸۰۳ میلادی منتشر گردید به کار برده شد، از نظر او سیاست جنایی «مجموعه شیوه های سرکوب گرانه ای که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می دهد» می باشد. این تعریف نشان دهنده مفهوم مضیق سیاست جنایی است که در واقع می توان از آن به عنوان سیاست کیفری نام برد. در ایران نیز نخستین بار دکتر متین دفتری تعریف

مضیقی از سیاست جنایی ارائه نمودند (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۱۹). در مقابل و با پیشرفت علوم جنایی تعریفی موسع از سیاست جنایی ارائه شد. در این رویکرد هیئت اجتماع در پاسخ دهی به پدیده مجرمانه نقش داشته و جامعه مدنی نیز در این امر مشارکت خواهند داشت، به عبارتی این نوع سیاست جنایی در بر دارنده گستره ای از تدابیر توسعه محور است که به صورتی مستقیم و غیرمستقیم کنش ها و واکنش های ماقبل پیشگیری، پیشگیرانه یا سزا دهنده را از سوی پیکره اجتماع، در رویارویی با پدیده بزهکاری سازمان دهی می کند (همان: ۲۱)؛ بنابراین برای اجرایی کردن این رویکرد لاجرم سیاست جنایی به انواع مختلفی همچون سیاست جنایی تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی تقسیم و مدل های اجرایی نیز برای سیاست جنایی تبیین و ارائه شده است. به طور طبیعی از آنجا که پدیده مجرمانه پدیده ای است انسانی و انسان نیز دائماً در حال تغییر بوده و این تغییر و رشد بشر به ارتقا پیرامون اطراف خود ختم می گردد؛ در نتیجه ظهور و بروز جرایم نو و راه های جدید ارتکاب جرایم و انحرافات نیز رشد و تغییر می کند، از این جهت لازم است در هر برهه ای متناسب با شرایط و اوضاع و احوال خاص آن جامعه سیاست جنایی جدید و مورد نیاز و متناسب همراه با واکاوی مدل های قبلی و با نوآوری و هوشمندی خاص ارائه گردد. جرایم اقتصادی نیز از این مهم مستثنی نبوده و لزوم به روز رسانی سیاست جنایی کشور در مواجهه با این نوع پدیده های مجرمانه واضح است. یکی از انواع سیاست های جنایی که مطلوب جامعه امروزی نیز بوده

و در کنترل و کاهش جرایم اقتصادی و البته رسیدگی به اتهامات و آنگاه برخورد با مجرمین اقتصادی ثمربخش خواهد بود، سیاست جنایی مشارکتی می باشد. به نظر می رسد سیاست جنایی مورد نیاز کشور سیاست جنایی مشارکتی مشروط به رعایت اعتدال و دوری از افراط در این زمینه باشد؛ به عبارت دیگر، سیاست جنایی مشارکتی اعتدالی، مورد نیاز امروز کشور در مواجهه با پدیده های مجرمانه و به خصوص جرایم اقتصادی است. بررسی نقش مردمی در مواجهه با جرایم اقتصادی به خصوص جرایمی که درون یا به واسطه دستگاه های اجرایی کشور و یا به مباشرت یا معاونت کارکنان دولت رخ می دهد، موضوعی مهم تلقی گشته که از این جهت می توان گفت این مقاله واجد رهیافت های نو می باشد. گفته شد هر گونه مواجهه با جرایم اقتصادی نیازمند نقش آفرینی مثبت و اثرگذار مردمی است. از این رو سیاست جنایی کشور در قبال جرایم اقتصادی نقشی راهبردی داشته و نیازمند مذاقه و تأمل بیشتری است. بر این پایه آنچه مهم است پاسخ به این سؤال می باشد که نقش مردم و سازمان های مردم نهاد در مواجهه با جرایم اقتصادی در دستگاه های اجرایی چگونه است؟ به نظر می رسد نقش مردم و سازمان های مردم نهاد در مواجهه با جرایم اقتصادی در دستگاه های اجرایی با تدوین مدل های نوین و سیاست های کلان مشارکتی قابل تصور می باشد؛ به عبارت دیگر مردم و به خصوص کارکنان دستگاه های اجرایی و حاکمیتی اگر دارای نقش آفرینی در مواجهه با این دست از جرایم باشند اثربخش بوده و در روند کاهش و کنترل این جرایم



نقش پررنگ و اثرگذاری دارد و در حقیقت اقتصاد دولتی محسوب می‌گردد، ضمانت‌های اجرایی، کیفری و بعضاً سخت و محکم است. در نتیجه به تفاوت نظام‌های اقتصادی سیاست جنایی نیز متفاوت خواهد بود. البته مدل سیاست جنایی در این زمینه حسب مقتضیات و ضروریات یا مصالحی، پیوسته در معرض تحول یا تغییر خواهد بود (موسوی مجاب، ۱۳۹۸: ۵۹۰).

۱-۲- سیاست جنایی کشورهای اسلامی

شکوفایی اقتصادی و رشد سرمایه‌گذاری و ایجاد کارتل‌های بزرگ اقتصادی در کشورهای اسلامی در سنوات گذشته، بسترهای ارتکاب جرایم اقتصادی را بیشتر نموده که لاجرم رویکردها و سیاست جنایی این کشورها در قبال جرایم را بیش از پیش مورد نیاز و توجه قرار داده است. برخی از حقوقدانان معتقدند «در یک نگاه اجمالی سیاست جنایی کشورهای اسلامی را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد:

گروه نخست: کشورهایی که اکثر آنان مسلمان می‌باشند، اما به صورت سوسیالیستی درآمده‌اند. این کشورها نظام حقوقی غیرمذهبی دارند؛ گروه دوم: کشورهایی که بیشتر نظام حقوقی عرفی و برتری حقوق اسلامی را پذیرفته‌اند؛

گروه سوم: کشورهایی که قائل به جدایی دین از سیاست و حاکمیت اندیشه سکولار می‌باشند. در این کشورها نظام حقوقی حاکم عرفی بوده و مقررات شریعت نمودی نیافته است؛

گروه چهارم: کشورهایی که نظام حقوقی آنها کم‌وبیش با عرف و عادت درآمیخته

به موجب بند «الف» ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، شکایت شاکی یا مدعی خصوصی از جمله موارد شروع به تعقیب دانسته شده است. علاوه بر این قاعده کلی، در عرصه آیین دادرسی کیفری اقتصادی، قانون‌گذار فرصت‌های دیگری را برای بزه‌دیدگان اقتصادی که متحمل ضررهای مالی شده‌اند ایجاد نموده تا تظلم‌خواهی خود را مطرح و پیگیری نمایند.

۱-۱- سیاست جنایی ناظر بر جرایم اقتصادی

۱-۱-۱- سیاست جنایی به اعتبار نظام اقتصادی

سیاست جنایی ناظر بر جرایم اقتصادی به اعتبار نوع نظام اقتصادی و وصف آن متفاوت می‌گردد. درواقع رویکرد اقتصاد، رابطه مستقیم با جرم‌انگاری و یا تخلف‌انگاری نقض مقررات و رویه‌های حاکم در نظام اقتصادی یک کشور دارد. در نظام اقتصاد لیبرال با توجه به نوع خاص مقررات و رویه‌های اقتصادی حاکم که اغلب حمایت از سرمایه‌گذاری و منافع خصوصی اشخاص است، ضمانت‌های اجرایی در مواجهه با جرایم اقتصادی بیشتر اداری، صنفی و غیر کیفری است. به نظر می‌آید در این گونه نظام‌ها از بین بردن مسیرها و عوامل جرم‌زا و در مجموع انجام اقدامات کنشی در دستور کار آنان باشد که به علت رعایت اختصار تفسیر آن را به مجال دیگری می‌سپاریم. در مقابل، در نظام‌های اقتصادی که دولت

کمک‌کننده می‌باشند. درواقع در این مقاله به دنبال آن هستیم که علاوه بر مسئولیت‌های اجرایی و مشارکت مردم در امر پیشگیری، رصد و پاسخ به پدیده‌های مجرمانه اقتصادی، این بار با ایجاد سازوکارهایی، شاهد نقش‌آفرینی مردم در فرایندهای دادرسی، مقابله و ترسیم و تدوین سیاست‌های کلی مواجهه با جرایم اقتصادی به‌ویژه در درون دستگاه‌های اجرایی کشور باشیم. بر این پایه مقاله حاضر را در دو بخش راهبردگزینه مناسب و سیاست‌های مشارکتی در مواجهه با جرایم اقتصادی پی‌خواهیم گرفت.

۱- راهبردگزینه مناسب در مواجهه با جرایم اقتصادی

همان‌طور که گفته شد جرم اقتصادی، پدیده‌ای نوظهور بوده که از مهم‌ترین علل پیدایش آن می‌توان به پیشرفت‌های صنعتی، رشد فناوری و گسترش روابط بین‌المللی اشاره نمود. «اهمیت و ماهیت جرایم اقتصادی تا جایی است که قانون‌گذار را بر آن می‌دارد که سیاست جنایی افتراقی ویژه‌ای در قبال آنها و در راستای حمایت از بزه‌دیدگان در پیش گیرد» (موسوی مجاب، ۱۳۹۴: ۵۷۶)؛ بنابراین راهبردگزینه کلان در قبال جرایم اقتصادی امری لازم و ضروری برای کشورهای توسعه‌یافته و یا در حال توسعه به سبب جایگاه و نقش اقتصاد و لزوم صیانت از آن محسوب می‌گردد. در همین راستا بسته به نگاه و نظام اقتصادی حاکم، سیاست جنایی نیز متفاوت خواهد بود که در ادامه در دو بخش به سیاست جنایی ناظر بر جرایم اقتصادی و سیاست‌گذاری عمومی در مواجهه با این دست جرایم پرداخته می‌شود.



شده و اصول یا آموزه‌های حقوق اسلامی تنها برای تنظیم بخش محدودی از حیات اجتماعی از سوی قانون‌گذار لحاظ گردیده است» (موسوی مجاب، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد جدای از این تقسیم‌بندی نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی که البته در این تقسیم‌بندی نظام حقوقی حاکم در کشور ما نیز بیان نشده است؛ سیاست جنایی در قبال جرایم اقتصادی می‌بایست از دو رویکرد کلی تبعیت نماید؛ نخست، از اقتصاد و فعالان بازار سرمایه حمایت نماید و دوم بازدارنده باشد. در کشور ما که مبنای قوانین نیز بر پایه مذهب حقه تشیع می‌باشد بایسته است سیاست جنایی مشخص و کارآمدی در قبال جرایم اقتصادی اتخاذ و حتی در قالب قانون خاص کیفری اراده قانون‌گذار عینیت یابد. به نظر می‌آید اکنون سیاست جنایی سردرگمی در این باره وجود دارد. به هر تقدیر سیاست‌های هوشمندانه و حکیمانه‌ای می‌تواند موفق باشد که با به کار بردن همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی، به حمایت از اقتصاد و همچنین برخورد قاطع با مفسدین اقتصادی اقدام نماید.

۲-۱- سیاست‌های عمومی برخورد با جرایم اقتصادی

همان‌طور که می‌دانیم جرایم علیه اقتصاد اعمال خشونت‌آمیز مبتنی بر تقلب و تزویر است. حيله‌گری، فریب و دروغ به عنوان قلب جرایم مزورانه محسوب می‌گردد (گسن، ۱۳۹۳: ۲۵). جرم‌های تزویرآمیز شامل دسته‌ای از جرم‌ها هستند که با دگرگون ساختن حقیقت‌ها و فریب دادن بزه‌دیدگان ارتکاب می‌یابند که رفتارهای مجرمانه اقتصادی از شاخص‌ترین آنهاست (سیمپسون، ۱۳۹۲: ۵۸۵).

با این وصف، تدارک برخورد و مواجهه صحیح و بازدارنده و البته هوشمندانه در برابر جرایم و تخلفات اقتصادی، امری عقلی و فرض بر هیئت حاکمه و بلکه هیئت جامعه است. این مهم با سیاست‌گذاری‌های درست و تعیین سیاست جنایی روشن، قاطع و کاربردی میسر خواهد شد. در ادامه گذری مختصر به سیاست‌گذاری‌های عمومی در عرصه جرایم اقتصادی داشته، در بخش بعدی سیاست جنایی مطلوب فعلی کشور از نگاه پژوهشگر بیان خواهد شد.

۱-۲-۱- قلمرو سیاست‌گذاری عمومی در زمینه جرم‌های اقتصادی

سیاست‌گذاری عمومی، تصمیم‌گیری و اقدام و برنامه‌ریزی دولت در زمینه مسائل عمومی است. در واقع سیاست‌گذاری عمومی مجموعه تدابیر دولت در زمینه انجام دادن یا ندادن اقدام در زمینه مسائل و مشکلات عمومی است. سیاست‌گذاری جنایی نیز از عرصه‌های مهم سیاست‌گذاری عمومی می‌باشد (نیاز پور، ۱۳۹۸: ۵۸۸). با توجه به اوضاع و احوال خاص کشور و بحران‌های اقتصادی، بی‌شک مسائل اقتصادی اعم از تولید، سرمایه‌گذاری، توزیع، مصرف و... همگی از معضلات و مشکلات کشور محسوب گردیده که می‌طلبد دولت با نقش فعال خود سیاست‌گذاری‌های درستی اتخاذ نماید. در کنار این مهم نیز برای مواجهه چه در بعد پیشگیری و چه پاسخ به اقدامات مجرمانه علیه اقتصاد کشور نیز می‌بایست سیاست‌گذاری درست جنایی اتخاذ و اجرا گردد. برای این امر حقوق‌دانان مؤلفه‌هایی بیان کرده‌اند که در ادامه خواهد آمد.

۱-۲-۱-۱- دولت

دولت همواره نقش بسیار پررنگ و اثرگذاری در عرصه سیاست‌گذاری داشته و دارد. هر چند در زمینه مسائل اقتصادی بهتر است دولت نقش حاکمیتی و راهبردی داشته و تصدی‌گری و حتی سیاست‌گذاری‌های اجرایی توسط فعالان عرصه اقتصاد تعیین گردد؛ اما مناسب است در فضای فعلی کشور که اقتصاد دولتی می‌باشد، دولت با تدبیر و تصمیم‌گیری به هنگام و کارشناسی شده، تصمیم‌هایی ناظر بر حل مسائل و معضلات اقتصادی دال بر کنترل و کاهش زمینه‌های جرم‌زا در این عرصه اتخاذ نماید. بی‌شک دولت مهم‌ترین مؤلفه سیاست‌گذاری در این باره محسوب می‌گردد. در کنار دولت نیز نهادهای مختلف نظارتی همچون سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کشور می‌توانند نقش فعالی در سیاست‌گذاری جنایی در مواجهه با جرایم اقتصادی داشته باشند.

۱-۲-۱-۲- سیاست

از دیگر مؤلفه‌های سیاست‌گذاری عمومی، اندیشه و رویکردهای سیاسی است. سیاست در اصطلاح شامل هر نوع شیوه و راهبرد و برنامه جهت مدیریت کردن یک مسئله و یا پدیده است. به این‌سان، اتخاذ تدبیر و تصمیم نسبت به چگونگی برخورد با یک پدیده را سیاست گویند (هیوود، ۱۳۹۴: ۹)؛ بنابراین نحوه و چگونگی برخورد با پدیده مجرمانه علیه اقتصاد کشور بسته به نوع نگاه و سیاست دولت حاکمه می‌تواند متفاوت باشد. به نظر می‌رسد آفت اصلی و مشکل حیاتی مواجهه با افزایش چشم‌گیر جرایم اقتصادی در کشور در چند سال اخیر و عدم موفقیت‌های چشم‌گیر در برخورد با



مفسدین اقتصادی، همین سیاست‌های متفاوت و سلیقه‌ای است. درواقع بایسته است سیاست‌گذاری عمومی و به تبع آن سیاست‌گذاری جنایی در مواجهه با جرایم اقتصادی، به‌صورت کلان و فارغ از جناح‌بندی‌های سیاسی تدوین شده، با تغییر دولت‌ها تغییر نکند.

۱-۲-۳- محیط‌های سیاست‌گذاری عمومی

مؤلفه سوم سیاست‌گذاری عمومی، محیط‌های سیاست‌گذاری می‌باشد؛ به این معنی که جهت اتخاذ تدابیر لازم و تعیین سیاست‌های کلی، لاجرم توجه به محیط‌های پیرامونی اعم از محیط‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ضروری است. حتی شاید بتوان گفت توجه به تاب‌آوری‌های اجتماعی و خلق‌وخوی مردم و بررسی اوضاع‌واحوال خاص آن دوره بسیار مهم است.

۱-۲-۲- فرآیند سیاست‌گذاری عمومی در زمینه جرم‌های اقتصادی

در عرصه سیاست‌گذاری عمومی و به تبع آن سیاست‌گذاری جنایی و به خصوص تعیین سیاست جنایی ناظر بر جرایم اقتصادی، توجه به فرآیندهای سیاست‌گذاری از مهم‌ترین شاخص‌هاست. فرآیند سیاست‌گذاری از رهگذر اجرا به دو مرحله پیش از اجرا و هنگام و پس از اجرا تقسیم‌پذیر است.

۱-۲-۲-۱- پیش از اجرا

در این مرحله سیاست‌گذاران با توجه به دغدغه‌های موجود و مشکلات پیش‌آمده می‌بایست دستورات و سیاست‌های کلی را تنظیم نمایند. یقیناً اولین قدم، شناسایی مشکل است. در زمینه مسائل اقتصادی آن‌گونه که شایسته و بایسته است، نسبت به تعیین دقیق مشکلات

اقدام نشده، میان مسئولین امر نیز همسویی وجود ندارد. به نظر می‌آید در اوضاع کنونی کشور، تحریم‌های اقتصادی بزرگ‌ترین مشکل پیش روی جامعه است. این تحریم‌ها منجر به تغییر روند فعالیت‌های اقتصادی و نظام پولی و بانکی کشور شده است. همین امر می‌طلبد سیاست‌های جدیدی به صورت واحد اتخاذ گردد. اراده حل مسئله نیز مؤلفه مهمی در مرحله قبل از اجرا و تصمیم‌گیری است. از آنجایی که مشکل اصلی که همان تحریم‌های اقتصادی است احصاء نشده و یا حداقل صرفاً در کلام سیاست‌گذاران عمومی مطرح می‌شود؛ به نظر می‌رسد سیاست‌های درستی نیز درباره آن اتخاذ نگردد. تحریم‌های اقتصادی همان‌طور که منجر به تغییر روند فعالیت‌های اقتصادی شده، محلی جدید برای مجرمین اقتصادی نیز شده است. حقوق‌دانان و کنش‌گران این عرصه معتقدند تدوین سیاست‌های جنایی مبتنی بر این فضا از ضروریات فعلی سیاست‌گذاری جنایی کشور است. لذا می‌بایست برای تعیین سیاست جنایی ناظر بر جرایم اقتصادی، ابتدا با شناختن فضای تحریم و با در نظر داشتن مدیریت اقتصادی، در این اوضاع سیاست جنایی ناظر بر جرایم اقتصادی را تعیین کرد؛ بنابراین توجه به نیازهای فعلی جامعه برای تعیین سیاست‌گذاری‌های عمومی پیش از مرحله اجرا از ضروریات است.

۱-۲-۲-۲- هنگام و پس از اجرا

یک سیاست عمومی آنگاه می‌تواند برای کاهش مشکل عمومی نقش‌آفرین باشد که بعد از تدوین و به طور فراگیر پشت سر گذاشتن همه مراحل پیش از اجرا، در فرآیند اجرا و پس از آن قرار گیرد. در

مرحله بعدی می‌بایست در راستای ارزیابی گام برداشته، سپس سیاست‌ها بازنگری و در صورت ضرورت نسبت به تغییر آن اقدام نمود. بر اساس آنچه در فرآیندهای سیاست‌گذاری عمومی گفته شد، به نظر می‌رسد در زمینه مقابله با جرایم اقتصادی در دستگاه‌های دولتی و اجرایی کشور، تاکنون به یک سیاست عمومی و جنایی دست نیافته‌ایم. گذشته از آن، لازم است از فضای تحریم‌ها، مشکلات و نیازهای کشور به درک درستی برسیم تا به تبع آن در مواجهه با جرایم اقتصادی، سیاست جنایی پیشگیرانه، کارآمد و مؤثری در مقابله با زمینه‌ها، علل و عوامل مؤثر بر وقوع تخلفات و جرایم اقتصادی در دستگاه‌های اجرایی و سپس برخورد و پاسخ‌دهی مناسب به آن داشته باشیم. این مسئله در کنار کاهش رقم جرایم اقتصادی در دستگاه‌های اجرایی، عدالت در اعمال ضمانت اجرای کیفری و غیر کیفری نسبت به متهمین و مجرمین اقتصادی را در پی داشته، از اتلاف بیت‌المال و ثروت عمومی می‌کاهد.

۲- سیاست‌های مشارکتی در مواجهه با جرایم اقتصادی

همان‌طور که بیان شد مواجهه با جرایم اقتصادی مستلزم ارائه تدابیر و تدوین سیاست جنایی معین، مشخص و واحد می‌باشد. قطعاً استفاده از ظرفیت‌های مردمی و نهادهای مردم محور در این مسیر راهگشاست. از آنجا که موضوع مقاله حاضر بررسی نقش مشارکت مردمی در مواجهه با جرایم اقتصادی در درون دستگاه‌های اجرایی است، ضرورت بهره‌گیری از کارکنان دولت و مردمی که به اسباب گوناگون با دستگاه‌های اجرایی مرادواتی دارند، می‌تواند بسیار حائز

اهمیت باشد. لذا این بخش را با تبیین نقش مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در آیین دادرسی کیفری اقتصادی و ارائه مدل‌های مشارکتی نوین و پیشنهادی پژوهشگر پی خواهیم گرفت.

۱-۲- نقش مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در آیین دادرسی کیفری اقتصادی

۱-۱-۲- شکایت‌کنندگان خصوصی

به موجب بند «الف» ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، شکایت شاکی یا مدعی خصوصی از جمله موارد شروع به تعقیب دانسته شده است. علاوه بر این قاعده کلی، در عرصه آیین دادرسی کیفری اقتصادی، قانون‌گذار فرصت‌های دیگری را برای بزه‌دیدگان اقتصادی که متحمل ضررهای مالی شده‌اند ایجاد نموده تا تظلم‌خواهی خود را مطرح و پیگیری نمایند. از آن جمله ماده ۷۲ قانون نظام صنفی است که به موجب آن خریداران و مصرف‌کنندگان می‌توانند شکایت خود را به نهادهای صلاحیت‌دار ارائه دهند. همچنین آیین‌نامه اجرایی تعزیرات حکومتی، آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۹۰ و آیین‌نامه اجرایی سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات از جمله قوانینی است که حق بزه‌دیده اقتصادی برای طرح شکایت را وضع نموده است (نیازپور، ۱۳۹۸: ۲۸).

با بررسی قوانین داخلی، به‌خوبی واضح و مبرهن است که قانون‌گذار قصد حمایت از بزه‌دیده اقتصادی را داشته، بر حق دادخواهی وی تأکید نموده است. بااینکه این حق به‌درستی در قوانین دیده شده؛ لیکن نمی‌توان آن را مصداقی از سیاست مشارکت مردمی در مواجهه با جرایم

اقتصادی دانست؛ چراکه به طور طبیعی و در همه نظام‌های حقوقی مترقی حق دادخواهی از اصول قطعی غیرقابل تغییر است. آنچه مدنظر پژوهشگر می‌باشد، این است که سیاست‌گذاران جنایی اقتصادی می‌بایست با ارائه الگوی مناسب از حق دادخواهی شخصی بزه‌دیده، سیاستی وضع نمایند تا با اجرای آن الگو بشود چه در بعد پیشگیری و چه برخورد و پاسخ مناسب به جرایم اقتصادی اقدام مناسب و قاطعی انجام داد. در مجموع امکان طرح‌ریزی و ارائه سیاست کلی مبنی بر افزایش کارآمدی حضور مردمی در این عرصه وجود دارد که در صورت سامان‌دهی و ساختارمند شدن آن نتایج مثبتی نیز به همراه خواهد داشت.



جرم اقتصادی، پدیده‌ای نوظهور بوده که از مهم‌ترین علل پیدایش آن می‌توان به پیشرفت‌های صنعتی، رشد فناوری و گسترش روابط بین‌المللی اشاره نمود. «اهمیت و ماهیت جرایم اقتصادی تا جایی است که قانون‌گذار را بر آن می‌دارد که سیاست جنایی افتراقی ویژه‌ای در قبال آنها و در راستای حمایت از بزه‌دیدگان در پیش گیرد».



علاوه بر این، اقدام خوب قانون‌گذار در مواجهه با جرایم اقتصادی، دادن حق شکایت به برخی از سازمان‌های دولتی در کنار دادسرا و مدعی عمومی (دادستان) است؛ به‌عنوان نمونه، بانک مرکزی از جمله این نهادهاست که قانون‌گذار وفق ماده ۴۲ قانون بانکی و پولی جایگاه

شاکی را به آن داده است. سازمان بورس و اوراق بهادار نیز از حق کشف و اعلام جرایم و تخلفات بورسی برخوردار شده است. این رویکردها ضمن اینکه مثبت ارزیابی می‌گردند، امکان کامل شدن به واسطه نقش مردم را دارند؛ به عنوان نمونه، این سازمان‌ها می‌توانند با ترکیبی از کارکنان خود و فعالان مردمی در عرصه نظام پولی و بانکی یا بورسی کشور و با ایجاد انجمن‌های کارشناسی، به اموری همچون پیشگیری، کشف و یا حتی تعقیب و پاسخ‌دهی‌های غیر کیفری بپردازند.

۲-۱-۲- نهادهای جامعه‌ای

در پهنه آیین دادرسی کیفری، همواره اصل بر دولتی بودن کنش‌ها و واکنش‌ها در زمینه بزهکاری است؛ زیرا مهار رفتارهای مجرمانه که برهم‌زننده نظم و امنیت هستند، در شمار وظایف دولت‌ها قرار دارد (همان: ۸۴). با این وجود قانون‌گذار برای اولین بار به صورت واضح نقش سازمان‌های مردمی در آیین دادرسی کیفری را در سال ۱۳۹۲ معین و ترسیم ساخت. ماده ۶۶ قانون مذکور سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه‌های حصری حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانایی جسمی یا ذهنی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است را دارای حق اعلام جرم و شرکت در فرآیند دادرسی دانسته است. بااینکه این ماده همسو با اندیشه‌های نوین بزه‌دیده‌شناختی در حقوق کیفری، در جهت حمایت از بزه‌دیده و مشارکت دادن سازمان‌های مردم‌نهاد در این امر وضع شده است (خالقی، ۱۳۹۴: ۸۴)؛



۲-۲-۱-۲-۲- تشکیل بسیج اقتصادی کارکنان دولت

وفق قوانین، نیروی مقاومت بسیج می تواند در شرایطی ضابط دادگستری باشد. گذشته از اینکه ساختار بسیج بزرگترین سازمان مردمی در سطح جهان است، این ظرفیت با آموزش و هدایت می تواند شاخه ای تخصصی درون دستگاه های اجرایی داشته و به امور نظارتی، تعقیب و پیشگیری اقتصادی درون دستگاه های اجرایی بپردازد. اعضای این نهاد نیز از کارکنان و به خصوص از اعضای خانواده کارکنان می تواند باشد.

۲-۲-۱-۳- تعیین سازوکار مناسب و قانونی به منظور نظارت کارکنان بر کارکنان و کارکنان و بالعکس در دستگاه های اجرایی

یقیناً اگر نهاد متری امر به معروف و نهی از منکر مورد واکاوی برابر با مقتضیات زمانی قرار گیرد، نقش مردم در فرآیند نظارت و پیشگیری ساختارمند و پر رنگ خواهد شد. صحبت در این باره بسیار است. شاید بتوان ادعا کرد راجع به این الگو بتوان مقاله ای جدا نوشت؛ اما واقعیت این است که استفاده از الگوی امر به معروف و نهی از منکر و ترسیم سازوکار نظارتی کارکنان بر مسئولین دستگاه های اجرایی و بالعکس می تواند مشارکت مردمی مناسبی ارزیابی گردد.

۲-۲-۲- مدل های مشارکتی مقابله ای

نقش مردم در فرآیند اعلام تخلفات و جرایم اقتصادی و همچنین حضور فعال آنان در روند رسیدگی می تواند مشارکتی مطلوب در فرآیند مقابله با مفسدین اقتصادی باشد. در همین راستا چند مدل مشارکتی بیان می گردد:

توجهی به امر پیشگیری نشده است. بی شک موفقیت در مسئله پیشگیری از جرایم اقتصادی درون دستگاه های دولتی و اجرایی کشور بدون مشارکت مردمی امکان پذیر نیست. استفاده از این ظرفیت ها در دستگاه های اجرایی مستلزم به کارگیری مدل های مشارکت مردمی می باشد که در ادامه به صورت تیتروار مدل های پیشنهادی به شرح ذیل مطرح می گردد:

۲-۲-۱-۱- مدل مشارکتی از طریق فضای مجازی

در کنار دنیای حقیقی دنیای مجازی رنگ و نقش فعالی به خود گرفته و دارای ثمرات مثبتی در امور پیشگیری، نظارت و مقابله با جرایم و تخلفات است. به نظر می رسد با ساخت اپلیکیشن ارتباطی، مثلاً با عنوان اپلیکیشن یا نرم افزار همد-برگرفته از پرنده ای که امر اطلاع رسانی و خبررسانی برای حضرت داوود علیه السلام را عهده دار بود، می شود اطلاع رسانی، نظارت و کنترل هوشمندی برای همه آحاد مردمی که به دستگاه های اجرایی کشور مراجعه می نمایند ایجاد نمود. همه کارکنان نیز می توانند از این فضا بهره مند گردند و بدون ترس و واهمه ای تخلفات و اعمال خلاف قوانین هم رده یا بالادستی خود را گزارش نمایند. همچنین این فضا می تواند نقش آموزشی برای همه مراجعان را فراهم و نسبت به حقوق خود آشنا کند. بدون تردید ایجاد فضای مناسب در امر مبارزه با فساد در دستگاه های اجرایی مستلزم سازوکار حمایتی و تشویقی از مردم و نهادهای مردمی فعال در این عرصه است. فضای مجازی خود می تواند یک عرصه مصونیت ساز و حمایتی از این افراد و نهادها باشد.

ولیکن حصری بودن فعالیت سازمان های مردم نهاد از ایرادات وارده به این ماده می باشد. هر چند برخی از حقوقدانان معتقدند نهادهای جامعه ای که حمایت از ارزش های اقتصادی به عنوان جلوه ای از حقوق شهروندی مدار در فعالیت های آنها قرار گرفته مشمول این ماده هستند (نیازپور، پیشین: ۹۱)؛ ولیکن این نظر مخدوش است؛ چراکه جرایم اقتصادی فراتر از آنی است که صرفاً در حقوق شهروندی بگنجد؛ لذا مناسب است قانون گذار در مقام اصلاح این ماده اقدام نماید.

۲-۲-۲- مدل های ابداعی سیاست مشارکتی مواجهه با جرایم اقتصادی

علاوه بر پیشنهادهایی که در مبحث نخست از بخش دوم این نوشتار بیان شد، در این مبحث سعی خواهد شد بر اساس تجارب پژوهشگر در رابطه با موضوع حاضر و لزوم ایجاد نقش آفرینی مردمی در امور قبل از پیشگیری، پیشگیری و مقابله با جرایم اقتصادی، مدل های ابداعی مشارکتی در دو محور مدل های مشارکتی پیشگیرانه و مدل های مشارکتی مقابله ای مطرح و پیشنهاد گردد. البته هر یک از مدل ها نیازمند تفسیر و تبیین بیشتری است که مجال دیگری می طلبد.

۲-۲-۱-۲- مدل های پیشگیرانه

هرچند وفق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی مدیریت راهبردی پیشگیری از جرم با قوه قضاییه است؛ اما این مهم بدون مشارکت همه دستگاه های اجرایی کشور و از همه مهم تر مشارکت فعال و مؤثر مردم میسر نخواهد شد. با اینکه یافته های علمی در این علم به سمت اقدامات قبل از پیشگیری در حال حرکت است، اما متأسفانه در کشور ما چندان

۱- ایجاد ساختار نظام‌مند برای حضور مردم و نهادهای مردمی و به خصوص کارکنان خبره درون دستگاه‌های اجرایی در فرآیند قانون‌گذاری، ارزیابی، پالایش و تنقیح قوانین و مقررات متناقض، غیرکاربردی و مغایر پیرامون مسائل اقتصادی و تخلفات و جرایم این عرصه؛ عرصه فعالیت اقتصادی می‌کنند برگزار ۲- با وجود فضای تحریم‌های اقتصادی و به اتهامات مطروحه رسیدگی نماید. این نقش فعال مردمی می‌تواند در قالب انجمن‌های صنفی و کارشناسان ذی‌ربط در دستگاه‌های اجرایی نمایان گردد. هیئت منصفه تخصصی که در آن

برآمد

در جمع‌بندی مطالب گفته شده و بنا بر مطالب مسطور باید گفت، شرایط و اوضاع و احوال خاص حاکم بر فضای اقتصادی کشور و وجود تحریم‌های شدید اقتصادی که منجر به زمینه‌سازی جرم‌های اقتصادی شده؛ می‌طلبد سیاست جنایی مشخص و معینی در قبال جرایم اقتصادی وضع شود.

در این میان نقش مردم بسیار مهم و استراتژیک ارزیابی می‌گردد. همان‌طور که گفته شد در مواجهه با جرایم اقتصادی مشخصاً در درون دستگاه‌های اجرایی، سیاست مشارکتی بهترین راه ممکن جهت انجام اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای به حساب می‌آید. در همین راستا پیشنهادهایی مبنی بر ایجاد مدل‌های مشارکتی مردمی به ساختار سازی و ایجاد سازوکارهایی برای افزایش ظرفیت‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد در مواجهه با این جرایم ارائه می‌گردد.

۱- ایجاد مدل مشارکتی از طریق فضای مجازی؛

۲- تشکیل و تقویت بسیج اقتصادی کارکنان دولت؛

۳- تعیین سازوکار مناسب و قانونی به‌منظور نظارت کارکنان بر کارکنان و مدیران و بالعکس در دستگاه‌های اجرایی؛

۴- ایجاد ساختار نظام‌مند برای حضور مردم و نهادهای مردمی و به خصوص کارکنان خبره درون دستگاه‌های اجرایی در فرآیند قانون‌گذاری، ارزیابی و تنقیح قوانین و مقررات متناقض، غیرکاربردی و مغایر پیرامون مسائل اقتصادی و تخلفات و جرایم این عرصه؛

۵- با وجود فضای تحریم‌های اقتصادی و مسائل پیرامون آن پیشنهاد می‌شود رسیدگی به جرایم اقتصادی نیز حداقل برای مقطعی با حضور و اظهارنظر هیئت منصفه تخصصی که در آن عرصه فعالیت اقتصادی می‌کنند برگزار و به اتهامات مطروحه رسیدگی نمایند. این نقش فعال مردمی می‌تواند در قالب انجمن‌های صنفی و کارشناسان ذی‌ربط در دستگاه‌های اجرایی نمایان گردد.

فهرست منابع

- ۱- اسلامی، داوود، جزوه درسی جرایم اقتصادی، مقطع کارشناسی ارشد، گردآورنده سونیا سلطانی، ۱۳۹۳
- ۲- جمشیدی، علیرضا، سیاست جنایی مشارکتی، چاپ ۲، میزان، ۱۳۹۴
- ۳- حسنی، مهرا؛ جعفر، نسرين، نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره دوم و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۴
- ۴- خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ ۴، میزان، ۱۳۹۴
- ۵- زراعت، عباس، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ ۱، جنگل جاودانه، ۱۳۹۱
- ۶- سیمپسون، سالی اس و ویزبرد دیوید، جرم‌شناسی جرایم یقه‌سفیدان، ترجمه حمیدرضا دانش ناری و آزاده صادقی، مجد، به نقل از دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، چاپ ۱، ۱۳۹۲
- ۷- گسن، رمون، جرم‌شناسی بزهکاران اقتصادی (نظریه عمومی تزویر)، برگردان: شهرام ابراهیمی، میزان، چاپ ۳، ۱۳۹۳
- ۸- محسنی، فرید، جرم اقتصادی، چاپ شده دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، میزان، چاپ ۲، ۱۳۹۸
- ۹- موسوی مجاب، سید درید، سیاست جنایی کشورهای اسلامی در قبال جرایم اقتصادی؛ با تأکید بر جرایم بازار مالی و بورس، چاپ شده در دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، میزان، چاپ ۲، ۱۳۹۸
- ۱۰- موسوی مجاب، سید درید، جزوه حقوق کیفری کشورهای اسلامی، مقطع دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ۱۳۹۴
- ۱۱- نیازپور، امیر حسن، آیین دادرسی کیفری اقتصادی، میزان، چاپ ۱، ۱۳۹۸
- ۱۲- نیازپور، امیر حسن، سیاست‌گذاری عمومی در زمینه جرم‌های اقتصادی، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، میزان، ۱۳۹۸
- ۱۳- هیوود، اندرو، سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، نشر نی، چاپ ۵، ۱۳۹۴